

#### نیم‌نگاه

#### دولت عراق در برابر مسوولیت دشوار تامین امنیت

امریکا روز ۳۱ آگوست رسماً به عملیات نظامی خود در خاک عراق پایان می‌دهد. از دو هفته پیش همه قوای ضعف نیروهای رزمی و انتظامی عراق و بن‌بست تشکیل دولت، چشم‌انداز ثبات در این کشور را با اهام روبه‌رو کرده است. پس از نزدیک به هفت‌ونیم سال امریکا به طور رسمی به عملیات نظامی خود در خاک عراق پایان می‌دهد. از دو هفته پیش همه قوای رزمی امریکایی که در عراق مستقر بوده‌اند این کشور را ترک کرده‌اند. قرار است باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا در سخنرانی هفتگی خود خطاب به مردم امریکا رسماً پایان عملیات نظامی نیروهای این کشور در عراق را اعلام کند.

۵۰ هزار نیروی امریکایی کماکان در عراق باقی می‌مانند که در چارچوب عملیات «سپیده‌دم»، فعالیت خواهند کرد و وظیفه‌شان عمدتاً آموزشی و فنی است. آنها به بازسازی قوای رزمی و دفاعی عراق کمک خواهند کرد تا به تنهایی قادر به مبارزه با تروریسم و شورش‌ها باشند.

مقام‌های امریکایی می‌گویند نیروی باقی‌مانده راساً در عملیات رزمی و ضدتروریستی دخالتی نخواهند داشت، مگر آنکه وضعیت چنین دخالتی را ایجاب کند. این نیروها نیز طبق قرارداد امنیتی میان واشنگتن و بغداد تا آخر سال آینده میلادی عراق را ترک خواهند کرد. در طول هفت‌ونیم سال گذشته مجموعاً ۴۴۰۰ سرباز امریکایی در عراق کشته شده‌اند و واشنگتن مبلغی معادل یک بلییون دلار هزینه این جنگ کرده است. در سال‌های پس از سقوط رژیم صدام حسین شمار نیروهای امریکایی در عراق گاه به ۱۶۰ هزار نفر نیز رسید. نیروهایی که به تازگی از عراق خارج شده‌اند شمار زیادی تانک و توپخانه، سلاح‌های سبک و سنگین و مهمات به ارزش یک میلیارد دلار برای نیروهای عراقی به جا گذاشته‌اند. خروج نیروهای امریکایی از عراق در عمل به معنای مسوولیت بزرگ‌تر دولت این کشور در زمینه تامین امنیت است. نوری المالکی نخست‌وزیر عراق اعلام کرده است ارتش و پلیس این کشور قادرند مسوولیت کامل برقراری و حفظ امنیت در کشور را



بر عهده بگیرند. او از اینکه «کارزاری» برای ایجاد تردید درباره این توانایی به جریان افتاده انتقاد کرد. به‌رغم اظهارات مالکی، کارشناس به این واقعیت اشاره می‌کنند که پنج ماه پس از انتخابات مجلس، کماکان تشکیل دولت جدید با بن‌بست مواجه است و فراکسیون‌های حاضر در مجلس نمی‌توانند بر سر تعیین نخست‌وزیر و ترکیب کابینه به توافق برسند. این بحران سیاسی از نظر کارشناسان عاملی برای ادامه و تشدید بی‌ثباتی در کشور است.

پایان عملیات رزمی نیروهای این کشور در عراق، جو بایدن معاون وی در بغداد به دیدار مالکی رفت تا درباره تسریع در تشکیل دولت عراق با وی به مذاکره بپردازد. قرار است وی با رهبران سایر فراکسیون‌ها و احزاب سیاسی عراق نیز در این زمینه رایزنی کند. این دومین بار است که بایدن ظرف هفته‌های اخیر به چنین تلاشی دست می‌زند. به گمان ناظران سیاسی، هم خروج نیروهای امریکایی و هم سردرگمی سیاسی موجود از جمله دلایلی تلقی می‌شوند که گروه‌های شورش را به تشدید عملیات خود و تلاش برای بی‌ثبات‌سازی بیشتر عراق رهنمون شده‌اند. در روزهای اخیر بسیاری از شهرهای عراق صحنه عملیات تروریستی کماقبقه نیروهای شورش بوده‌اند. وضعیت موجود سبب شده اکثریت اهالی عراق ضمن استقلال از خروج نیروهای امریکایی، چندان نسبت به برقراری ثبات و امنیت در کشورشان خوشبین نباشند. سفارتی بزرگ در قلب بغداد، شماری پایگاه نظامی که فعالیت‌های فنی ارتش امریکا در زمینه هوایی در آنها متمرکز است، دفتری برای همکاری امنیتی با دولت عراق و حضور هزارها نیروی وابسته به شرکت‌های امنیتی امریکا، از جمله مواردی هستند که در میان برخی از اهالی عراق تردید درباره «حیای استقلال» این کشور را حتی پس از خروج بخش بزرگی از این کشور ایجاد می‌کنند.

علی دباغ سخنگوی دولت عراق در پاسخ به همین تردیدهاست که می‌گوید: «از ۱۱ قرارداد بزرگ نفتی که به شرکت‌های خارجی واگذار شده، تنها یکی به امریکایی‌ها رسیده. این به معنای آن است که ایالات متحده نقش ویژه‌ای در حیات سیاسی و اقتصادی عراق بازی نمی‌کند و ماحودمان صاحبان واقعی منابع و ذخایر کشورمان هستیم».

در این میان، حتی در شمال عراق که نسبت به سایر مناطق این کشور از امنیت بیشتری برخوردار است، تردید درباره ایجاد حدی از ثبات سیاسی و امنیتی که حضور سایر نیروهای امریکایی تا پایان سال آینده را بلاموضوع کند، جدی است. به باور سیاستمداران این منطقه اگر تا آن زمان مسائل مورد اختلاف میان سه قوم اصلی کشور یعنی مناقشه بر سر کنترل مناطقی همچون کروک، نحوه بهره‌برداری از ذخایر کشور و… به گونه‌ای دموکراتیک و قانونی حل نشود، چشم‌انداز ثبات سیاسی در عراق همچنان در هاله‌ای از ابهام خواهد ماند و رفتن نیروهای امریکایی نیز اوضاع را وخیم‌تر خواهد کرد.

تحولات داخلی ترکیه طی چند سال اخیر نشان می‌دهد روابط دولت- ملت در منطقه خاورمیانه از مسیر یک تناقض و پارادوکس در ساخت سیاسی- اجتماعی می‌گذرد. گذار به دموکراسی در این نمونه از کشورها به طور بنیادین با نمونه‌های غربی و تجارب تاریخی بعد از دوران روشنگری در اروپا متفاوت بوده و در بطن خود از یک ذات ژلاتینی و قالب معیوب بهره می‌برد. همین دوگانگی ساختاری در خصوص مسیر تحولات جاری، راه رسیدن به دموکراسی و توسعه را در نبرد بین نیروهای متفاوت درونی تا حدود زیادی سخت کرده و عدم ارتباط کامل ارگانیکی بین عناصر و مولفه‌های مدرنیته و دموکراسی در چنین جوامعی، مرزهای موقعیت‌های ایجابی و سلبی در عمق تکامل اجتماعی را مخدوش کرده است. به همین دلیل در این‌گونه جوامع نیروهای سیاسی موجود همواره یک موقعیت دوگانه داشته و از سیکل‌های معیوب و معکوس طی حیات سیاسی- اجتماعی خود استفاده می‌کنند. عدم درک درست از ماهیت و ذات تحولات این قبیل جوامع برای نیروهای بیرونی همواره موجب گمراهی و بعضاً موضع‌گیری‌های متفاوتی می‌شود که جین برخورداری از عنصر واقعیت انتزاعی، حامل نادیده گرفتن دیگر ابعاد واقعیت موسع می‌شود. چنانچه همزمان در خاورمیانه به طور مثال بزرگ‌ترین لیبرال‌دموکراسی‌های جهان بنا به مصالح و منافع خود با ارتجاعی‌ترین دیکتاتوری‌های سیاسی در پیوند قرار می‌گیرند و چپ‌ترین نیروهای سوسیالیست جهانی هم تنها به جهت منافع و صرف شعار «دشمن، دشمن من، دوست من است» با راستگرایان افراطی هم‌داستان می‌شوند. این در بافت درونی و رقابت بین نیروهای ملی درطی مسیر تحولات و پذیرش الزامات مدرنیزاسیون- دموکراسی موضوع به همین سادگی نخواهد بود. ترکیه هر چند نسبت به دیگر کشورهای حوزه خاورمیانه به لحاظ پیشرفت و مدرنیزاسیون از جایگاه بالاتری برخوردار بوده و مسیر تکوین‌یافته‌تری را طی می‌کند ولی در تحلیل نهایی تا به امروز در چارچوب همین معادله چندمجهولی قابل ارزیابی بوده است. دولت اسلامگرای «حزب طیب اردوغان» رهبر حزب عدالت و توسعه در ترکیه میراث «کمال آتاتورک» در رقابت با جناح ملی‌گرا و نظامیان قدرتمند این کشور نیز در همین چارچوب پارادوکسیکال قرار می‌گیرد. دولت کنونی آنکارا از یک طرف با محدود کردن قدرت ارتش و تلاش برای ورود به اتحادیه اروپایی، مسیر مدرنیزاسیون سیاسی و دموکراسی نسبی را تسهیل می‌کند و از طرف دیگر به لحاظ گرایش اسلامگرایانه و تجدید

#### رقابت میان اردوغان و لائیک‌ها به مراحل حساس رسیده است

## ادامه بازی در لیگ سیاسی ترکیه

*اردشیر زارعی‌قناتی*



نظر در قانون اساسی لائسیسته موجود، بازگشت به موقعیت پیشینی و عبقگرد از ذات سکولاریسم حاکم بر ساخت سیاسی- اجتماعی کشور را دنبال می‌کند. به همین دلیل مبارزه‌ای که طی سال‌های اخیر بین جناح حاکم و اپوزیسیون درونی متشکل از احزاب ملی‌گرا و نظامیان کشور در حال انجام است در بطن خود حامل یک تصویر زشت و زیبای سیاسی- اجتماعی خواهد بود که از خود پالس‌های متناقض و پرنسبیب‌های متفاوت-رابرورزی‌دهد.

در ماه آگوست دادگاهی در شهر استانبول، حکم

#### گزارش

#### طالبان خود را در خطر می‌بیند

از نظر سرفرمانده نیروهای ناتو، افزایش حملات طالبان به معنای آن است که این شورشیان خود را مورد تهدید می‌بینند. وی گفت تقویت نیروهای نظامی امریکا به ۱۵۰ هزار نفر به منظور تشدید رویارویی با طالبان است. از نظر فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، ردیای نیروهای طالبان در سراسر کشور به چشم می‌خورد ولی افزایش حملات این شبه‌نظامیان بیانگر آن است که آنها خود را در کانون‌های امن خود مورد تهدید می‌بینند. دیوید پترائوس در مصاحبه با شبکه دو تلویزیون آلمان گفت با افزایش شمار سربازان نیروهای ائتلافی در افغانستان تا مرز ۱۵۰ هزار نفر، راهبرد جهانی علیه طالبان به «مرحله پایانی» خود نزدیک می‌شود. با کشته شدن چهار سرباز امریکایی در روز سه‌شنبه، شمار کشته‌شدگان امریکا در طول فقط چهار روز گذشته به ۲۱ نفر رسیده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، بر اساس آمار یک سازمان مستقل بین‌المللی، در طول هشت ماه سال جاری میلادی، ۴۸۴ سرباز نیروهای ائتلافی در افغانستان کشته شده‌اند. در همین فاصله زمانی در سال ۲۰۰۹، شمار قربانیان ۵۲۱ نفر بوده است. پترائوس گفت تشدید حملات طالبان کنشی است ناشی از استیصال این شبه‌نظامیان و این فرصتی است که با تقویت نیروهای نظامی ائتلافی می‌توان رسیدن به پایان جنگ را تسریع کرد. این فرمانده ارشد امریکایی گفت باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا در ماه دسامبر ۲۰۰۹ اعلام کرده بود با یک تقویت ۳۰ هزار نفری نیروها در مراکز طالبان مانند قندهار و هلمند، قصد دارد به مبارزه با این شبه‌نظامیان شدت بخشد. پترائوس گفت تشدید حملات طالبان کنشی است ناشی از استیصال این شبه‌نظامیان و این فرصتی است که با تقویت نیروهای نظامی ائتلافی می‌توان رسیدن به پایان جنگ را تسریع کرد. این فرمانده ارشد امریکایی گفت باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا در ماه دسامبر ۲۰۰۹ اعلام کرده بود با یک تقویت ۳۰ هزار نفری نیروها در مراکز طالبان مانند قندهار و هلمند، قصد دارد به مبارزه با این شبه‌نظامیان شدت بخشد. پترائوس افزود: «فقط زمانی که پناگاه‌های دشمن مورد تهدید باشند آنها را به حمله متقابل وامی‌دارد.» فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان اظهار داشت: «من در سخنان سال گذشته‌ام بارها تاکید کردم که این روند رو به سختی خواهد رفت تا رو به سهولت، و این طبیعت تلاش‌های نظامی است.» این ژنرال عالی‌رتبه امریکایی اذعان داشت نفوذ طالبان حتی به مناطق تاکنون نسبتاً آرام شمال کشور نیز سرایت کرده است. پترائوس در عین حال تصریح کرد بیخ نیرو برای مقابله با این شورشیان به مرحله پایانی خود نزدیک می‌شود. دیوید پترائوس به شبکه دو تلویزیون آلمان گفت: «هن فکر نمی‌کنم کسی با این ادعا مخالفت کند که ردیای طالبان به سراسر کشور گسترش یافته است.» پترائوس افزود: «شورشیان در کتون‌های امن خود در داخل و خارج از کشور به اشکال مختلف ارتباطات خود را برقرار کرده‌اند.» به گفته ناظران سیاسی، منظور پترائوس پاکستان بوده است. سرفرمانده نیروهای ناتو در افغانستان گفت ارتش امریکا و سپاه ایساف در افغانستان تلاش زیادی به خرج دادند تا به همراه افغانی‌ها، نیروهای شبه‌نظامی داخلی را علیه طالبان بسیج کنند. او خاطرنشان کرد در سال آینده میلادی خروج نیروهای امریکا عجولانه و چشمگیر نخواهد بود. وی افزود: «باید یک بار دیگر شنید که پرزیدنت اوباما چه گفته است! اینکه در ژوئیه ۲۰۱۱ مرحله‌ای آغاز خواهد شد که در آن همه به سوی خروج از کشور نخواهند دوید و جراح را خاموش نخواهند کرد.»

**نجات معدنچیان شیلی**
**شاید سه ماه دیگر**
رعایت آرامش، به دنبال سرگرمی گشتن و حتی جلوگیری از جاق شدن، اصولی هستند که ۳۳ کارگر معدن که در کشور شیلی زیر زمین حبس شده‌اند باید رعایت کنند. آنها در این میان می‌دانند که زودتر از پایان سال جاری آزاد نخواهند شد. تحمل گرما، تاریکی و ترس، سختی‌هایی هستند که ۳۳ کارگر معدن در شیلی هنوز باید تا آنها دست‌وپنجه نرم کنند. آنها اکنون سه هفته است که در یکی از معادن کوچک مس و طلا در شهر کوپیاپو شیلی در ۷۰۰ متری زیر زمین گرفتار شده‌اند. دمای هوا در آنجا ۳۶ درجه سانتیگراد است و رطوبت هوا به ۸۵ درصد می‌رسد. در کنار این مشکلات، ترس از هر صدا و امکان ریختن بخش‌های تیرباز معدن بر سر آنها نیز وجود دارد. آنها تا به حال این فشارهای روحی و جسمی را به خوبی تحمل کرده‌اند. انرژی و امید این افراد مورد تحسین تمام مردم کشور قرار گرفته است اما مشخص نیست که آیا این خوشبینی ادامه پیدا خواهد کرد یا نه. این کارگران تا به حال نمی‌دانستند کندن یک گودال بزرگ رین سه تا چهار ماه طول خواهد کشید. این احتمالاً تا پایان سال ۲۰۱۰ باید در زیرزمین به سر برند. وزیر بهداشت شیلی اکنون معتقد است این خبر، خوشبینی آنها را به سرعت به افسردگی و ترس تبدیل خواهد کرد. وی از کارگران حبس‌شده می‌خواهد خود را با آواز خواندن، بازی کردن تئاتر برای یکدیگر و بازی‌هایی که در آن بدن حرکت می‌کند، مشغول کنند. دولت شیلی یک برنامه پزشکی- درمانی برای کمک به این کارگران آماده کرده است. آنها از طرف ناسا و یوگان زیردریایی شیلی درباره زندگی در انزو همراه با تاریکی و تنگی مکان، راهنمایی می‌شوند. چند پزشک و مهندس از امریکا روز سه‌شنبه ۳۱ آگوست برای ارائه خدمات تخصصی به کارگران محبوس وارد کشور شیلی شدند. برای کارگران حبس‌شده یک برنامه ورزشی تهیه شده است که آنها لاغر بمانند و به این صورت بتوانند از تونل رد شوند. دور کمر این کارگران نباید بیش از ۹۰ سانتیمتر باشد. تامین آب آشامیدنی این افراد از طریق ابزارهای لوله‌مانند انجام می‌شود. آنها مواد غذایی مخصوص، به صورت ژل دریافت می‌کنند. همچنین وسایل بازی و حتی نامه‌ای از فرزندان و همسران‌شان برای آنها به پایین فرستاده می‌شود. در روزهای آینده کار کندن گودال توسط ماشین‌های بیش از ۲۰ تن وزن دارد، آغاز می‌شود. قرار است این ماشین‌ها روزانه بین هشت تا ۱۵ متر از زمین را بکنند. به این ترتیب کندن گودال بین ۴۶ تا ۸۶ روز طول می‌کشد. اما پس از کندن گودال باید با کمک متاهی بزرگ قطر حفره را نیز بزرگ‌تر کنند تا یک مرد بالغ امکان رد شدن از آن را داشته باشد. کل این عملیات ۱۲۰ روز طول خواهد کشید.
**روغن دویچه‌وله**

### جهان

#### گزارش

#### طالبان خود را در خطر می‌بیند

از نظر سرفرمانده نیروهای ناتو، افزایش حملات طالبان به معنای آن است که این شورشیان خود را مورد تهدید می‌بینند. وی گفت تقویت نیروهای نظامی امریکا به ۱۵۰ هزار نفر به منظور تشدید رویارویی با طالبان است. از نظر فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، ردیای نیروهای طالبان در سراسر کشور به چشم می‌خورد ولی افزایش حملات این شبه‌نظامیان بیانگر آن است که آنها خود را در کانون‌های امن خود مورد تهدید می‌بینند. دیوید پترائوس در مصاحبه با شبکه دو تلویزیون آلمان گفت با افزایش شمار سربازان نیروهای ائتلافی در افغانستان تا مرز ۱۵۰ هزار نفر، راهبرد جهانی علیه طالبان به «مرحله پایانی» خود نزدیک می‌شود. با کشته شدن چهار سرباز امریکایی در روز سه‌شنبه، شمار کشته‌شدگان امریکا در طول فقط چهار روز گذشته به ۲۱ نفر رسیده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، بر اساس آمار یک سازمان مستقل بین‌المللی، در طول هشت ماه سال جاری میلادی، ۴۸۴ سرباز نیروهای ائتلافی در افغانستان کشته شده‌اند. در همین فاصله زمانی در سال ۲۰۰۹، شمار قربانیان ۵۲۱ نفر بوده است. پترائوس گفت تشدید حملات طالبان کنشی است ناشی از استیصال این شبه‌نظامیان و این فرصتی است که با تقویت نیروهای نظامی ائتلافی می‌توان رسیدن به پایان جنگ را تسریع کرد. این فرمانده ارشد امریکایی گفت باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا در ماه دسامبر ۲۰۰۹ اعلام کرده بود با یک تقویت ۳۰ هزار نفری نیروها در مراکز طالبان مانند قندهار و هلمند، قصد دارد به مبارزه با این شبه‌نظامیان شدت بخشد. پترائوس گفت تشدید حملات طالبان کنشی است ناشی از استیصال این شبه‌نظامیان و این فرصتی است که با تقویت نیروهای نظامی ائتلافی می‌توان رسیدن به پایان جنگ را تسریع کرد. این فرمانده ارشد امریکایی گفت باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا در ماه دسامبر ۲۰۰۹ اعلام کرده بود با یک تقویت ۳۰ هزار نفری نیروها در مراکز طالبان مانند قندهار و هلمند، قصد دارد به مبارزه با این شبه‌نظامیان شدت بخشد. پترائوس افزود: «فقط زمانی که پناگاه‌های دشمن مورد تهدید باشند آنها را به حمله متقابل وامی‌دارد.» فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان اظهار داشت: «من در سخنان سال گذشته‌ام بارها تاکید کردم که این روند رو به سختی خواهد رفت تا رو به سهولت، و این طبیعت تلاش‌های نظامی است.» این ژنرال عالی‌رتبه امریکایی اذعان داشت نفوذ طالبان حتی به مناطق تاکنون نسبتاً آرام شمال کشور نیز سرایت کرده است. پترائوس در عین حال تصریح کرد بیخ نیرو برای مقابله با این شورشیان به مرحله پایانی خود نزدیک می‌شود. دیوید پترائوس به شبکه دو تلویزیون آلمان گفت: «هن فکر نمی‌کنم کسی با این ادعا مخالفت کند که ردیای طالبان به سراسر کشور گسترش یافته است.» پترائوس افزود: «شورشیان در کتون‌های امن خود در داخل و خارج از کشور به اشکال مختلف ارتباطات خود را برقرار کرده‌اند.» به گفته ناظران سیاسی، منظور پترائوس پاکستان بوده است. سرفرمانده نیروهای ناتو در افغانستان گفت ارتش امریکا و سپاه ایساف در افغانستان تلاش زیادی به خرج دادند تا به همراه افغانی‌ها، نیروهای شبه‌نظامی داخلی را علیه طالبان بسیج کنند. او خاطرنشان کرد در سال آینده میلادی خروج نیروهای امریکا عجولانه و چشمگیر نخواهد بود. وی افزود: «باید یک بار دیگر شنید که پرزیدنت اوباما چه گفته است! اینکه در ژوئیه ۲۰۱۱ مرحله‌ای آغاز خواهد شد که در آن همه به سوی خروج از کشور نخواهند دوید و جراح را خاموش نخواهند کرد.»

**نجات معدنچیان شیلی**
**شاید سه ماه دیگر**
رعایت آرامش، به دنبال سرگرمی گشتن و حتی جلوگیری از جاق شدن، اصولی هستند که ۳۳ کارگر معدن که در کشور شیلی زیر زمین حبس شده‌اند باید رعایت کنند. آنها در این میان می‌دانند که زودتر از پایان سال جاری آزاد نخواهند شد. تحمل گرما، تاریکی و ترس، سختی‌هایی هستند که ۳۳ کارگر معدن در شیلی هنوز باید تا آنها دست‌وپنجه نرم کنند. آنها اکنون سه هفته است که در یکی از معادن کوچک مس و طلا در شهر کوپیاپو شیلی در ۷۰۰ متری زیر زمین گرفتار شده‌اند. دمای هوا در آنجا ۳۶ درجه سانتیگراد است و رطوبت هوا به ۸۵ درصد می‌رسد. در کنار این مشکلات، ترس از هر صدا و امکان ریختن بخش‌های تیرباز معدن بر سر آنها نیز وجود دارد. آنها تا به حال این فشارهای روحی و جسمی را به خوبی تحمل کرده‌اند. انرژی و امید این افراد مورد تحسین تمام مردم کشور قرار گرفته است اما مشخص نیست که آیا این خوشبینی ادامه پیدا خواهد کرد یا نه. این کارگران تا به حال نمی‌دانستند کندن یک گودال بزرگ رین سه تا چهار ماه طول خواهد کشید. این احتمالاً تا پایان سال ۲۰۱۰ باید در زیرزمین به سر برند. وزیر بهداشت شیلی اکنون معتقد است این خبر، خوشبینی آنها را به سرعت به افسردگی و ترس تبدیل خواهد کرد. وی از کارگران حبس‌شده می‌خواهد خود را با آواز خواندن، بازی کردن تئاتر برای یکدیگر و بازی‌هایی که در آن بدن حرکت می‌کند، مشغول کنند. دولت شیلی یک برنامه پزشکی- درمانی برای کمک به این کارگران آماده کرده است. آنها از طرف ناسا و یوگان زیردریایی شیلی درباره زندگی در انزو همراه با تاریکی و تنگی مکان، راهنمایی می‌شوند. چند پزشک و مهندس از امریکا روز سه‌شنبه ۳۱ آگوست برای ارائه خدمات تخصصی به کارگران محبوس وارد کشور شیلی شدند. برای کارگران حبس‌شده یک برنامه ورزشی تهیه شده است که آنها لاغر بمانند و به این صورت بتوانند از تونل رد شوند. دور کمر این کارگران نباید بیش از ۹۰ سانتیمتر باشد. تامین آب آشامیدنی این افراد از طریق ابزارهای لوله‌مانند انجام می‌شود. آنها مواد غذایی مخصوص، به صورت ژل دریافت می‌کنند. همچنین وسایل بازی و حتی نامه‌ای از فرزندان و همسران‌شان برای آنها به پایین فرستاده می‌شود. در روزهای آینده کار کندن گودال توسط ماشین‌های بیش از ۲۰ تن وزن دارد، آغاز می‌شود. قرار است این ماشین‌ها روزانه بین هشت تا ۱۵ متر از زمین را بکنند. به این ترتیب کندن گودال بین ۴۶ تا ۸۶ روز طول می‌کشد. اما پس از کندن گودال باید با کمک متاهی بزرگ قطر حفره را نیز بزرگ‌تر کنند تا یک مرد بالغ امکان رد شدن از آن را داشته باشد. کل این عملیات ۱۲۰ روز طول خواهد کشید.
**روغن دویچه‌وله**

از همان ابتدا به نظر می‌رسید بیش از آنچه حقوقی تلقی شود یک ماهیت سیاسی داشته است. دولت اردوغان مدعی بود این متهمان که در یک شبکه تشکیلاتی عضویت داشته‌اند درصدد اقدام به کودتای نظامی با عنوان «عملیات پتک» به سرکردگی ژنرال بازنشسته و چهارستاره «ستین دوگان» بوده‌اند. حکم جدیدی که بعداً برای آزادی این متهمان صادر شد بیش از پیش به این ادعای مخالفان دولت اسلامگرا رنگ واقعیت می‌بخشد که حتی چنانچه برنامه‌ای از سوی نظامیان برای کودتا نیز وجود داشت اما با هجوم گسترده و پروپاگاندای تبلیغاتی دولت آنکارا، این پرونده سیر حقوقی درستی نداشته است. رقابت سیاسی بین اسلامگرایان حامی حزب عدالت و توسعه با ملی‌گرایان و نظامیان از همان ابتدای شکل‌گیری در سال ۲۰۰۳ با توجه به قطب‌بندی در جامعه ترک، موجب شکاف در بدنه اجتماعی این کشور شد. این شکاف که عمق آن از عدم مشروعیت حضور نظامیان در حوزه قدرت سیاسی تا دعوی روسری در حوزه اجتماعی را شامل می‌شد، در طول دوران زمامداری دولت اردوغان موضوع اصلی منازعات سیاسی – اجتماعی درون این کشور تلقی شده است. استفاده ابزاری و تبلیغاتی سود در جناح رقیب در عرصه سیاسی و عمومی ترکیه برای اتهام‌افکنی نسبت به یکدیگر و دخالت دوگانه و بینابینی قوه قضایی در رسیدگی به این پرونده، به درستی‌نشان‌دهنده واقعیت و ذات پارادوکسیکال منازعات قدرت در یک جامعه در حال گذار خاورمیانه‌ای خواهد بود. در فضای خاکستری که ایجاد شده است و توسط دو نیروی رقیب به آن وسعت بخشیده می‌شود شاید هرگز اجازه داده نشود تمامی ابعاد و چرایی این پرونده به درستی در سیستم حقوقی ترکیه و نزد افکار عمومی این کشور مشخص شود. همچنین سیر قضایی پرونده کودتا و تمایل دولت برای هجوم به نظامیان و دیگر احزاب سیاسی رقیب رویای وضعیتی است که اثبات می‌کند هیچ یک از نیروهای رقیب قادر به حذف دیگری در چنین وضعیتی نخواهد بود. این رقابت به دلیل ریشه‌های سیاسی – اجتماعی آن و اینکه هم‌اکنون بر بستر گسست و شکاف‌های درونی در بدنه اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد، در آینده نیز برای حل و فصل نهایی هیچ چشم‌انداز مثبتی نداشته و در صورت تشدید منازعات می‌تواند بازتولید قدرت را در فروپاشی سیستم و بخشی شدن همین قدرت در غیاب طیف وسیعی از ساخت سیاسی – اجتماعی کشور در مفاهیم شکننده قابل تعریف کند.

روزنامه‌نگار، فعالان حزبی و جنبش زنان را گرفت

روز سه‌شنبه، پیشاپیش سخنرانی اوباما درباره

### مهاجرتسیزی ابزار سیاسی راست افراطی در امریکا

شناخته شد. هم‌اینگ که کمتر از چهار ماه به انتخابات کنگره امریکا باقی مانده است بار دیگر محافظه‌کاران یکی از محورهای رقابت و مبارزات انتخاباتی خود را با حزب دموکرات بر مهاجرتسیزی بنیان گذاشته‌اند. طرح جدید پیشنهادی جمعی از سناتورهای جمهورریخواه از بدنه «جان کایل» از ایالت آریزونا و «لینزی گراهام» از ایالت ویرجینیا که از سوی سناتور «جان مک‌کین» از آریزونا هم مورد حمایت قرار گرفته است، نشان می‌دهد با داغ شدن رقابت‌های انتخاباتی موج جدید تبلیغات مهاجرتسیزی نیز در راه خواهد بود. این پیشنهاد برای تجدیدنظر در متمم اصل چهاردهم قانون اساسی امریکاست که در سال ۱۸۶۸ تصویب شد و حقوق کامل شهروندی را برای کودکان متولدشده در خاک ایالات متحده قائل شده و از این طریق حقوق جهانی را نیز نصیب والدین چنین کودکانی می‌کند. بر اساس گزارش موسسه «پیو هیستتینک» تعداد کودکانی که از پدر و مادران مهاجر غیرقانونی در سال ۲۰۰۸ در امریکا به ثبت رسیده و بنا به متمم چهاردهم قانون اساسی از امتیازات خاص این قانون بهره می‌برند حدود چهار میلیون نفر بوده است. دموکرات‌ها که به خوبی از این حربه انتخاباتی جمهورریخواهان آگاه هستند بر اساس گفته سناتور «پاتریک لای‌هی» از ایالت ورمات و رئیس کمیته قضایی سنا، تا پیش از برگزاری انتخابات آتی مانع از طرح این پیشنهاد در پارلمان خواهد شد. هر چند دموکرات‌ها به جهت اکثریت خود در کنگره و سنا می‌توانند تا قبل از برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مانع از طرح این پیشنهاد در کنگره شوند اما همین طرح بحث در افکار عمومی و تمرکز جمهورریخواهان در تبلیغات انتخاباتی بر قوانین مهاجرت، می‌تواند تاثیر قابل توجهی در جهت‌های افکار رای‌دهندگان بگذارد. گرایش محافظه‌کاران و راست افراطی از اروپا تا امریکا بر سیاست‌های مهاجرتسیزی که بر اساس ترس جمعیت‌های بومی از شرایط مطلوب کاری و امنیت اجتماعی بنا نهاده شده است یک پیام واضح و آشکار دارد و آن اینکه این جناح در مواجهه با حقوق بشر، ریشه‌های خود را در طبقات برخوردار و لایسین پرولتاریا در موقعیت سلبی دیگر طبقات و لایه‌های اجتماعی قرار داده است.

یک ابزار سیاسی مورد سوءاستفاده جناح راست قرار گرفته و آنان با توجه به نگاه منفی طبقات بومی نابرخودار از فرصت‌های مطلوب زیستی به خصوص در بین بیکاران و همچنین ترس و احساس عدم امنیت اجتماعی، برای کسب رای، از این موضوع نهایت بهره را برده‌اند. تشدید تمایلات مهاجرتسیزی در حملات تروریستی یازدهم سپتامبر و رشد بنیادگرایی که منجر به تولد نوع مرگباری از تروریسم در بین گروه‌های منفک و ایزوله‌شده مهاجران ساکن در اروپا و امریکا شد، به یک کارت برنده در دست جناح محافظه‌کار برای رقابت‌های انتخاباتی تبدیل شد. این وضعیت طی سال‌های اخیر در فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایتالیا در بدترین شکل ممکن مورد استفاده طیف‌های محافظه‌کار و راست افراطی قرار گرفت و بر اساس دیدگاه‌های این جریان، به سمت سبد آنان را موجب شد به عنوان پاشنه آشیل جناح‌های دموکرات و چپ نیز

پدیده مهاجرت از ابتدای تاریخ تمدن بشری همواره موضوعی چالش‌برانگیز بوده است که در گذشته از مسیر کور-راه جنگ و اشغال سرزمین‌های تازه توسط نورسیدگان برای کسب امکانات و شرایط مطلوب‌تر می‌گذشت. هجوم مهاجران غربی در کنار انتقال گسترده بردگان سیاه به قاره امریکا به عنوان یک سرزمین بکر که در حوزه غربی به جهت مشکلات این گروه‌های انسانی برای زیست مطلوب در محیط بومی و دست یافتن به موقعیت بهتر از جمله با بالا گرفتن تب جست‌وجوی طلا در سرزمین‌های تازه و اسکان وسیع نسل‌های پیشینی و پسینی سیاهان آفریقایی‌تبار در نظام برده‌داری کولونی‌های شکل گرفته در این قاره، برای اولین بار پدیده مهاجرت را با تعریف و شرایط نوینی مواجه کرد. این جابه‌جایی گروه‌های متنوع و گسترده بخشی به قاره تازه کشف‌شده هر چند به نوعی در راستای موقعیت کهن مهاجرت قابل تعریف بود ولی به لحاظ ورود عنصر تازه احتیاج و عدم مقاومت بازدارنده سرزمین مبدأ در این دگردیسی جمعیتی، شکل‌گیری ساخت – دولت در تاریخ معاصر را در قاره امریکا گره‌گون کرده و مهاجران را به عنوان ساختار پایه و مقب‌نشینی جمعیت‌های بومی کرد. رشد پاینده و شتابناک صنعتی شدن ایالات متحده و وقوع دو جنگ ویرانگر و خانمان‌سوز جهانی اول و دوم در دنیا و به خصوص در اروپا به عنوان موتور محرکه اقتصاد صنعتی، موجب شد قدرت هژمونیک واشنگتن بیش از گذشته بر محیط جهانی تحمیل شود. از طرف دیگر هژمون جدید برای تثبیت و تکمیل پایه‌های قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود بسیار فراتر از استعداد و توانایی‌های داخلی دست به سوی نیروهای متخصص، مغزهای تکامل‌یافته‌تر جهان سومی و سرمایه‌های فراری از محیط فروتر دراز کرده و پذیرش انتخابات‌گراشه مهاجران نوع جدید را تسهیل کرد. به موازات این الزام انتخاب‌گراشه، جوامع مدین با یک

– مهاجرتسیزی در کشورهای غربی و امریکا همواره به عنوان یک ابزار سیاسی مورد سوءاستفاده جناح راست قرار گرفته و آنان با توجه به نگاه منفی طبقات بومی نابرخودار از فرصت‌های مطلوب زیستی به خصوص در بین بیکاران و همچنین ترس و احساس عدم امنیت اجتماعی، برای کسب رای، از این موضوع نهایت بهره را برده‌اند. تشدید تمایلات مهاجرتسیزی بعد از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر و رشد بنیادگرایی اسلامی به یک کارت برنده در دست جناح محافظه‌کار برای رقابت‌های انتخاباتی تبدیل شد.